گزارش

رئیس‌جمهوری در جمع دانشگاهیان:

زمان حضور در میدان و اقدام عملی است

رئیس‌جمهوری با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره اقدامش به خاموش‌کردن چراغ اتاق خود، تأکید کرد: چراغی خاموش نکردم، بلکه چراغ اضافی روشن نکردم و خود را ملزم می‌دانم از مصرف بی‌رویه منابع جلوگیری کنم. باور ندارم مسئولیت ریاست‌جمهوری مجوزی برای اسراف باشد. مسعود پزشکیان در برنامه‌های سفر استانی خود به خراسان رضوی، دیروز در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت و با تأکید بر نقش محوری دانشگاه‌ها در حل مسائل کشور اظهار کرد: بسیار خوشحالم که فرصتی فراهم شد در جمع دانشجویان و استادان حضور پیدا کنم؛ چراکه باور دارم بسیاری از مشکلات امروز کشور را دانشگاه‌ها می‌توانند حل کنند، نه ساختارهای اداری. رئیس‌جمهوری با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره اقدامش به خاموش‌کردن چراغ اتاق خود، بر ضرورت پایبندی مسئولان به الگوی صحیح مصرف و پرهیز از اسراف تأکید و تصریح کرد: چراغی خاموش نکردم، بلکه چراغ اضافی روشن نکردم و خود را ملزم می‌دانم از مصرف بی‌رویه منابع جلوگیری کنم. باور ندارم مسئولیت ریاست‌جمهوری مجوزی برای اسراف باشد یا با هدردادن منابع کشور، صنایع و تولیدکنندگان را با مشکل مواجه کنم. پزشکیان با تأکید بر اینکه بخش تولید و صنعت باید آخرین بخشی باشد که با محدودیت انرژی مواجه می‌شود، افزود: نباید اجازه دهیم مدیریت نادرست مصرف انرژی به تعطیلی یا کاهش فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی منجر شود. رئیس‌جمهوری با بیان اینکه کشور در شرایط عادی قرار ندارد، اظهار کرد: دشمن برای ایجاد مشکل در کشور و فراهم‌کردن زمینه نارضایتی، اعتراض و آشوب، برنامه‌ریزی کرده است تا به اهداف خود برسد؛ اما اعتقاد دارم با مدیریت صحیح، همدلی و همکاری می‌توانیم از مشکلات عبور کنیم. من به‌تنهایی نه ولی ما، یعنی همه کسانی که دل در گرو این آب و خاک دارند، می‌توانند در این مسیر نقش‌آفرین باشند. پزشکیان با تأکید بر ضرورت شناخت دقیق شرایط کشور پیش از ارائه راهکارها گفت: ابتدا باید درک درستی از وضعیت موجود داشته باشیم و سپس نسخه‌ای عملی و متناسب با واقعیت‌ها برای عبور از مشکلات ارائه کنیم. دشمن بر ناترازی‌های متعددی تمرکز کرده که در سال‌های گذشته در بخش‌های مختلف کشور شکل گرفته است؛ اما باور دارم دانشگاهیان، استادان و دانشجویان می‌توانند در اصلاح این وضعیت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. رئیس‌جمهوری با اشاره به دیدارها و نشست‌های مستمر خود با دانشگاهیان از ابتدای آغاز به کار دولت، اظهار کرد: امروز زمان تئوری‌پردازی صرف نیست؛ زمان حضور در میدان و اقدام عملی است. بر همین اساس، رویکرد دولت بر تفویض اختیار به افراد توانمند و استفاده از ظرفیت نخبگان استوار است. پزشکیان افزود: همان‌گونه که به استانداران، با وجود برخی محدودیت‌های حقوقی، اختیارات بیشتری واگذار کرده‌ایم، معتقدیم دانشگاه‌ها نیز باید از ظرفیت و اختیارات لازم برای حل مسائل منطقه‌ای و ملی برخوردار باشند. خود را عقل کل نمی‌دانم که بخواهم دستور بدهم و دیگران صرفا اجرا کنند. اعتقاد دارم نخبگان، دانشجویان، استادان، تولیدکنندگان و صنعتگران بهتر از هرکسی می‌توانند برای مسائل منطقه خود راهکار ارائه دهند و وظیفه دولت فراهم‌کردن بستر و واگذاری اختیار به آنان است. رئیس‌جمهوری با اشاره به برخی محدودیت‌های موجود در مسیر فعالیت اجرائی دانشگاه‌ها گفت: دانشگاه‌ها در گذشته از ظرفیت ساختار هیئت‌امنایی و اختیارات قانونی خود به اندازه کافی استفاده نکردند و در مواردی نیز با تصمیمات داخلی، محدودیت‌هایی برای خود ایجاد کردند. اکنون دولت به دنبال بازکردن این مسیر و افزایش اختیارات دانشگاه‌هاست. رئیس‌جمهوری با اشاره به طرح موضوع افزایش اختیارات دانشگاه‌ها در دیدار با رهبر معظم انقلاب، تأکید کرد: این موضوع را در دیدار با ایشان نیز مطرح کرده‌ام و معظم‌له آمادگی دارند در صورت ارائه پیشنهادهای مشخص درباره اختیارات مورد نیاز دانشگاه‌ها، برای تحقق آن همراهی کنند. پزشکیان با اشاره به ظرفیت دانشگاه‌ها برای ایجاد اشتغال پایدار در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه مناطق روستایی، اظهار کرد: دانشگاه‌ها می‌توانند با شناسایی و فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی، زمینه اشتغال پایدار و توسعه متوازن را فراهم کنند. پزشکیان خطاب به دانشگاهیان تأکید کرد: مسائل مردم و منطقه خود را در میدان عمل حل کنید، نه اینکه صرفا در کلاس درس درباره آنها صحبت شود. انتظار دارم دانشگاهیان از شمال تا جنوب استان، مسئولیت شناسایی، طراحی و اجرای طرح‌های مورد نیاز را بر عهده بگیرند. او در بخش دیگری از سخنانش، با تأکید بر اینکه کشور در برابر مشکلات تسلیم نخواهد شد، اظهار کرد: ما تسلیم نمی‌شویم، اما باید با مدیریت صحیح اجازه ندهیم مردم دچار مشکل شوند. یکی از راهکارهای مهم در این مسیر، اصلاح الگوی مصرف و کاهش مصرف انرژی است. رئیس‌جمهوری با اشاره به دستاوردهای اقدامات دولت در زمینه مدیریت مصرف برق، گفت: با اقداماتی که دولت انجام داده و بعضا مورد استهزا برخی افراد قرار گرفته است، توانسته‌ایم مصرف برق را حدود پنج تا شش درصد کاهش دهیم. پزشکیان با اشاره به حجم بالای هزینه‌های مصرف انرژی در کشور افزود: سالانه حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برای مصرف انرژی هزینه می‌شود و حتی اگر بتوانیم فقط ۱۰ درصد از این میزان را صرفه‌جویی کنیم، منابع قابل توجهی آزاد خواهد شد که می‌توان آن را برای بهبود معیشت مردم و حل مشکلات کشور به کار گرفت. البته اعتقاد دارم ظرفیت صرفه‌جویی در کشور بسیار بیشتر است و می‌توان با اصلاح الگوی مصرف، ۳۰ تا ۴۰ درصد در برخی بخش‌ها صرفه‌جویی کرد؛ چراکه مصرف بی‌رویه، علاوه بر اتلاف منابع ملی، به محیط زیست نیز آسیب می‌زند. رئیس‌جمهوری با اشاره به ضرورت تقویت حمایت‌های معیشتی دولت تصریح کرد: می‌دانم حمایت‌های فعلی دولت برای مردم کافی نیست، اما باید راهکارهایی برای افزایش این حمایت‌ها پیدا کنیم. یکی از این راهکارها، صرفه‌جویی و مصرف صحیح منابع و اختصاص عواید حاصل از آن به معیشت مردم است. در این زمینه دانشگاهیان نیز می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند.

برای رسیدن به قله باید سختی‌ها را تحمل کنیم

پزشکیان در بخش پایانی سخنان خود با تأکید بر ضرورت استفاده از نیروهای توانمند و باانگیزه در مسیر حل مشکلات کشور، گفت: مشکل ما کمبود افرادی نیست که دانش، مهارت و توانایی دارند؛ مسئله این است که باید زمینه‌ای فراهم کنیم تا این افراد بتوانند توانمندی‌های خود را در خدمت حل مشکلات جامعه قرار دهند.

رئیس‌جمهوری با اشاره به نقش مردم در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان اظهار کرد: مردم بودند که با وجود همه مشکلات، نقشه دشمنان را نقش بر آب کردند. امروز نیز باید دست در دست یکدیگر و با همدلی و همراهی، مشکلات را حل کنیم و کشور را از شرایط دشوار عبور دهیم. اگر نتوانیم با عزت، همدلی و هدایت رهبر معظم انقلاب از این مرحله عبور کنیم، دشمنان برای تحقق اهداف خود طمع خواهند کرد. او با بیان اینکه رسیدن به قله‌های پیشرفت نیازمند تحمل دشواری‌هاست، تصریح کرد: برای رسیدن به قله باید سختی‌ها را تحمل کنیم؛ یا راه پیدا می‌کنیم یا راه می‌سازیم. بنده دست یاری به سوی شما دراز می‌کنم و هرآنچه در توان داشته باشم برای خدمت به مردم و کشور به کار خواهم گرفت. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه هیچ شأنی جز خدمتگزاری برای خود قائل نیست، گفت: من از همین مردم هستم و تا جایی که توان داشته باشم، از اسراف و هدررفت منابع کشور در زندگی شخصی و خانوادگی خود نیز پرهیز خواهم کرد. به تعبیر دکتر شریعتی، حاضرم نام و نانم را برای اعتقاد و باورم قربانی کنم. باور دارم با همراهی شما می‌توانیم با قدرت از شرایط موجود عبور کنیم و بنده خود را خدمتگزار همه مردم عزیز ایران می‌دانم و تا زمانی که توان داشته باشم، در این مسیر خدمت خواهم کرد.

«شرق» از بن‌بست مذاکرات و افزایش نشانه‌های بازگشت تنش میان ایران و آمریکا گزارش می‌دهد

وسوسه حمله محدود

عکس: محمدرسول مرادی، ایرنا

مالک مصدق: با گذشت ماه‌ها از جنگ ۴۰روزه و در شرایطی که گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال تکرار رویارویی نظامی میان ایران از یک سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر همچنان ادامه دارد، هنوز سناریوی آغاز جنگی تازه به واقعیت تبدیل نشده است. با این حال، فاصله میان وقوع جنگ و منتفی‌شدن آن، فاصله‌ای معنادار است که نمی‌توان آن را با نشانه‌های مقطعی کاهش تنش یکسان دانست. در ماه‌های گذشته، بازه‌های زمانی متفاوتی برای آغاز دور تازه حملات مطرح شده و هر بار، تحولات سیاسی و محاسبات نظامی به تعویق یا بازنگری در این پیش‌بینی‌ها انجامیده است.

اکنون نیز تازه‌ترین گزارش‌های رسانه‌های غربی و منطقه‌ای از انسداد مذاکرات هسته‌ای، کاهش نقش میانجیگرانه جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و ازسرگیری فشارهای بنیامین نتانیاهو برای اقدام نظامی حکایت دارند. هم‌زمان، نشانه‌هایی از افزایش تنش در پهنه جنوبی خلیج فارس و پیرامون مسیرهای کشتیرانی و تأسیسات منطقه‌ای گزارش شده است. مجموعه این تحولات بار دیگر احتمال بازگشت گزینه نظامی را برجسته کرده است. با وجود این، باید میان تهدیدهای سیاسی، آمادگی نظامی و تصمیم قطعی برای آغاز جنگ تمایز قائل شد. پرسش اصلی اکنون این است که آیا زدوخوردهای محدود و فشارهای متقابل، مقدمه‌ای برای یک رویارویی گسترده‌تر هستند یا همچنان می‌توان از شکل‌گیری مسیری برای مهار بحران جلوگیری کرد؟ در این بین ترامپ گفته است هزینه جنگ تا پایان ژانویه تأمین شده است.

بازگشت گزینه نظامی به محاسبات کاخ سفید و عقب‌نشینی از مسیر دیپلماسی

تازه‌ترین گزارش نشریه آتلانتیک درباره محاسبات دونالد ترامپ در قبال ایران، بار دیگر احتمال بازگشت واشنگتن به گزینه نظامی را در کانون توجه قرار داده است. بر اساس این گزارش، طرح‌های مربوط به تشدید دوباره درگیری‌ها همچنان روی میز رئیس‌جمهور آمریکا قرار دارند و ترامپ به جی‌دی ونس، معاون خود، گفته است برای نزدیک‌شدن به تهران اقدامی انجام ندهد؛ زیرا از نگاه او، زمان دیپلماسی به پایان رسیده است. اهمیت این گزارش صرفا در طرح احتمال حمله مجدد به ایران نیست، بلکه در تغییری است که ظاهرا در محاسبات سیاسی دولت آمریکا نسبت به مسیر مذاکرات ایجاد شده است. ونس در ماه‌های گذشته یکی از چهره‌هایی بود که رویکرد محتاطانه‌تری در قبال ورود آمریکا به یک جنگ تازه با ایران داشت. نگرانی از هزینه‌های نظامی، پیامدهای اقتصادی، تأثیر جنگ بر افکار عمومی آمریکا و دشواری دستیابی به یک نتیجه روشن، از جمله عواملی بود که ضرورت پرهیز از تشدید درگیری را در مواضع این جریان برجسته می‌کرد. با این حال، اگر روایت آتلانتیک درباره محدودشدن نقش ونس در پرونده ایران درست باشد، می‌توان آن را نشانه‌ای از تغییر موازنه دیدگاه‌ها در داخل دولت ترامپ دانست. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد بخشی از جریان‌های خواهان فشار حداکثری و اقدام نظامی، ذیل نقش‌آفرینی مارکو روبیو و پیت هگست، بار دیگر در تلاش هستند گزینه حمله را از سطح یک تهدید بازدارنده به یک انتخاب عملیاتی نزدیک کنند. آتلانتیک همچنین گزارش داده است ترامپ ازسرگیری حملات را با هدف جلوگیری از بازسازی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران بررسی می‌کند. چنین رویکردی نشان می‌دهد موضوع صرفا به اختلافات جاری بر سر مذاکرات محدود نیست و مجموعه‌ای از نگرانی‌های ادعایی آمریکا درباره ظرفیت‌های راهبردی ایران در محاسبات واشنگتن نقش دارد. البته باید توجه داشت بررسی یک گزینه نظامی در کاخ سفید لزوما به معنای تصمیم نهایی برای اجرای آن نیست. دولت آمریکا ممکن است از تهدید نظامی برای افزایش فشار بر ایران، تغییر محاسبات طرف مقابل یا تقویت موقعیت خود در مذاکرات استفاده کند. با این حال، زمانی که گزارش‌ها از ارائه طرح‌های عملیاتی و محدودکردن نقش چهره‌های مخالف جنگ سخن می‌گویند، نمی‌توان احتمال حرکت از مرحله تهدید به مرحله اقدام را نادیده گرفت.

مذاکرات در مرحله بن‌بست

در این میان، بن‌بست مذاکرات هسته‌ای نیز بر پیچیدگی شرایط افزوده است. العربیه به نقل از منابع بلندپایه گزارش داده با وجود تماس‌های فشرده و تلاش میانجی‌ها، مذاکرات ایران و آمریکا همچنان در وضعیت بن‌بست قرار دارد و هیچ تضمینی برای جلوگیری از بازگشت تنش‌های نظامی وجود ندارد. بر اساس این گزارش، اصلی‌ترین اختلاف دو طرف همچنان سرنوشت اورانیوم غنی‌شده ایران است. واشینگتن خواستار ارائه طرحی روشن برای خروج اورانیوم غنی‌شده از ایران و دریافت تضمین‌های کتبی درباره از سر گرفته‌نشدن غنی‌سازی در آینده است. در مقابل، تهران با انتقال اورانیوم غنی‌شده به خارج از کشور مخالفت می‌کند و ظاهرا پیشنهادهای میانجی‌ها نیز تاکنون نتوانسته است فاصله مواضع دو طرف را کاهش دهد. این اختلاف از آن رو اهمیت دارد که مسئله هسته‌ای همچنان یکی از اصلی‌ترین محورهای تقابل تهران و واشینگتن است. در شرایطی که اعتماد متقابل به‌شدت آسیب دیده و تجربه رویارویی نظامی نیز بر محاسبات دو طرف سایه انداخته، هرگونه توافق نیازمند تعیین‌تکلیف موضوعاتی است که از نظر طرفین جنبه راهبردی دارند. با این وصف، اگر مذاکرات در همین نقطه متوقف بماند و کانال‌های ارتباطی نیز کارکرد مؤثر خود را از دست بدهند، احتمال آنکه تصمیم‌گیران آمریکایی به‌جای سرمایه‌گذاری بر راه‌حل سیاسی به گزینه‌های نظامی متوسل شوند، افزایش خواهد یافت. این همان نقطه‌ای است که بن‌بست دیپلماتیک می‌تواند به یک مخاطره امنیتی تبدیل شود.

طرح ۴ تا ۷ روزه نتانیاهو و اختلاف در ارزیابی‌های امنیتی اسرائیل

در سوی دیگر معادله، بنیامین نتانیاهو همچنان یکی از اصلی‌ترین طرفداران اقدام نظامی جدید علیه ایران معرفی می‌شود. گزارش المانیتور حاکی از آن است که نخست‌وزیر اسرائیل در تلاش است ترامپ را برای اجرای یک حمله فوری، سنگین و کوتاه‌مدت متقاعد کند. نکته درخور توجه در این گزارش، تفاوت میان طرح پیشنهادی اسرائیل و الگوی یک جنگ تمام‌عیار است. به نوشته المانیتور، پیشنهاد جدید اسرائیل شامل یک کارزار بمباران گسترده به مدت چهار تا هفت روز است. این طرح ظاهرا با هدف تضعیف توانمندی‌های ایران، جلوگیری از بازسازی برخی ظرفیت‌های نظامی و هسته‌ای و هدف قراردادن تأسیساتی ارائه شده که از نگاه اسرائیل ممکن است در آینده به نقاطی دشوارتر برای حمله تبدیل شوند. یک مقام ارشد اسرائیلی در توضیح این پیشنهاد مدعی شده است می‌توان با عملیاتی نسبتا کوتاه و کم‌هزینه، بخشی از توانمندی‌های ایران را تضعیف کرد و مانع از شکل‌گیری مصونیت برای تأسیسات آن شد. چنین ادعایی در واقع بر این فرض استوار است که یک حمله محدود می‌تواند بدون ورود به یک جنگ طولانی، اهداف نظامی مد نظر اسرائیل را محقق کند. اما همین فرض یکی از مهم‌ترین نقاط ابهام در طرح پیشنهادی تل‌آویو است. تجربه رویارویی‌های پیشین نشان داده است آغاز یک عملیات محدود الزاما به معنای محدودماندن دامنه پاسخ‌ها و پیامدهای آن نیست. تصمیم برای حمله ممکن است در اختیار یک طرف باشد، اما تعیین مدت و دامنه درگیری به واکنش طرف مقابل و تحولات پس از نخستین ضربه نیز وابسته خواهد بود. از سوی دیگر، گزارش المانیتور نشان می‌دهد اسرائیل برای متقاعدکردن واشینگتن صرفا به استدلال‌های نظامی تکیه نکرده و تلاش کرده است ملاحظات سیاسی داخلی آمریکا را نیز وارد محاسبات کند. یکی از مقام‌های ارشد اسرائیلی مدعی شده تل‌آویو به دنبال استفاده از فرصت زمانی پیش از تغییر موازنه سیاسی در کنگره آمریکا و آغاز فعالیت اکثریت جدید دموکرات‌ها در ژانویه است. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که تحولات سیاسی آمریکا بعد از انتخابات میان‌دوره‌ای می‌تواند بر اختیارات دولت ترامپ برای ادامه عملیات نظامی تأثیر بگذارد. در واقع، اسرائیل ظاهرا نگران است با تغییر ترکیب سیاسی کنگره، هزینه‌های سیاسی و حقوقی تصمیم برای حمله افزایش پیدا کند و امکان همراه‌کردن واشنگتن با یک عملیات جدید دشوارتر شود.

اختلاف‌نظر با بی‌بی در حمله به ایران

با این حال، همه محافل سیاسی و امنیتی اسرائیل با فوریت مدنظر نتانیاهو موافق نیستند. گزارش یدیعوت آحارونوت از اختلاف‌نظر در نهادهای امنیتی اسرائیل درباره ضرورت و زمان‌بندی حمله جدید حکایت دارد. بر اساس این گزارش، رئیس موساد از ضرورت انجام عملیات در سریع‌ترین زمان ممکن حمایت می‌کند، اما رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل معتقد است تهدیدهای مطرح‌شده در زمینه تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک ایران فوریت عملیاتی ندارند و می‌توان درباره زمان اقدام با تأمل بیشتری تصمیم گرفت. گادی آیزنکوت، رهبر حزب یشار و مأمور تشکیل کابینه اسرائیل نیز طی اظهاراتی تأکید کرد تهدید مستقیم و فوری‌ای از سوی ایران وجود ندارد که جنگ مجدد پیش از تشکیل دولت را ضروری کند. این اختلاف‌نظر نشان می‌دهد حتی در ساختار امنیتی اسرائیل نیز ارزیابی واحدی از میزان فوریت تهدیدها وجود ندارد. به عبارت دیگر، اصرار سیاسی برای حمله الزاما به معنای اجماع کارشناسی درباره ضرورت فوری آن نیست. بخش دیگری از گزارش المانیتور نیز به همین موضوع اشاره دارد. منابع غربی مدعی شده‌اند اطلاعاتی که اسرائیل درباره برنامه‌های شیمیایی و بیولوژیک ایران در اختیار آمریکا قرار داده، در مراحل اولیه ارزیابی قرار دارد و لزوما به معنای وقوع یک تهدید فوری نیست. ایران نیز اتهام‌های مطرح‌شده درباره توسعه این نوع تسلیحات را رد کرده است. در چنین شرایطی، مسئله مهم آن است که ادعاهای اطلاعاتی درباره تهدیدهای احتمالی نباید بدون بررسی مستقل و دقیق به مبنای تصمیمی تبدیل شوند که می‌تواند منطقه را وارد دور تازه‌ای از جنگ کند. به‌ویژه آنکه گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های غربی، هم‌زمان به اختلافات سیاسی داخلی اسرائیل و تلاش نتانیاهو برای حفظ موقعیت خود در قدرت نیز اشاره دارند. المانیتور در همین زمینه به تردیدهایی پرداخته که مقام‌های آمریکایی نسبت به انگیزه‌های سیاسی نتانیاهو مطرح کرده‌اند. برخی منابع اسرائیلی معتقدند نخست‌وزیر این رژیم ممکن است از قرارگرفتن کشور در وضعیت جنگی برای تغییر شرایط سیاسی داخلی و تقویت موقعیت خود در برابر رقبای انتخاباتی استفاده کند. این ارزیابی‌ها را نمی‌توان به عنوان واقعیتی قطعی درباره انگیزه‌های نتانیاهو تلقی کرد، اما وجود چنین تردیدهایی در محافل سیاسی و امنیتی اسرائیل نشان می‌دهد تصمیم احتمالی برای حمله به ایران فقط در چارچوب محاسبات نظامی قابل تحلیل نیست.

کنگره آمریکا، دموکرات‌ها و تلاش برای مهار اختیار جنگی ترامپ

یکی از مهم‌ترین موانع احتمالی پیش‌روی تصمیم ترامپ برای آغاز دور تازه حملات، تحولات سیاسی داخل آمریکا و تلاش بخشی از دموکرات‌ها برای محدودکردن بودجه عملیات نظامی علیه ایران است. گزارش پولیتیکو از شکل‌گیری طرحی در میان گروهی از سناتورهای دموکرات حکایت دارد که بر اساس آن، اختصاص بودجه برای اقدامات تهاجمی علیه ایران باید به دریافت مجوز جنگ از کنگره مشروط شود. بر اساس این پیشنهاد، عملیات دفاعی آمریکا در برابر حملات احتمالی از این محدودیت مستثنا خواهد بود. تیم کین، سناتور دموکرات، از نهایی‌شدن پیش‌نویس اولیه این طرح خبر داده است. با این حال، هنوز توافق نهایی میان دو حزب شکل نگرفته و حتی در داخل فراکسیون دموکرات‌ها نیز لازم است درباره جزئیات آن تصمیم‌گیری شود. اهمیت این پیشنهاد در آن است که مخالفت با جنگ از سطح موضع‌گیری سیاسی و انتقادهای عمومی فراتر رفته و به تلاش برای استفاده از ابزارهای قانونی و بودجه‌ای کنگره رسیده است. در صورت تحقق چنین طرحی، دولت ترامپ برای ادامه اقدامات تهاجمی با محدودیت‌های بیشتری مواجه خواهد شد. با این حال، واکنش جان تون، رهبر اکثریت جمهوری‌خواه سنا، نشان می‌دهد امکان شکل‌گیری نوعی معامله سیاسی میان دو حزب نیز وجود دارد. او این پیشنهاد را به‌طور کامل رد نکرده و در مقابل درباره امکان افزایش بودجه امنیت ملی و تأمین مجدد ذخایر مهمات آمریکا پرسش‌هایی مطرح کرده است. بنابراین، موضوع فقط مخالفت دموکرات‌ها با جنگ نیست، بلکه چگونگی تبدیل این مخالفت به یک توافق عملی در ساختار سیاسی آمریکا نیز اهمیت دارد. در یادداشت مشترک رابرت مالی و استفان وارهایم در نیویورک‌تایمز نیز بر نقش کنگره در جلوگیری از اختصاص بودجه برای عملیات نظامی علیه ایران تأکید شده است. نویسندگان معتقدند نزدیک‌ترین فرصت برای اعمال فشار بر دولت ترامپ، مهلت ۱۱ دسامبر (۲۰ آذر) است که کنگره باید درباره تأمین بودجه دولت فدرال تصمیم بگیرد. در این یادداشت، حتی محاصره دریایی نیز به عنوان اقدامی جنگی در نظر گرفته شده که اختصاص بودجه به آن باید در چارچوب محدودیت‌های پیشنهادی قرار گیرد. این نکته از آن جهت مهم است که فشار نظامی علیه ایران صرفا به حملات هوایی و موشکی محدود نمی‌شود و اقدامات دریایی و اقتصادی نیز می‌توانند بخشی از راهبرد تشدید فشار باشند. با این حال، دموکرات‌ها نیز درباره هزینه‌های سیاسی چنین تصمیمی با چالش روبه‌رو هستند. تعطیلی دولت فدرال، متهم‌شدن به تضعیف موقعیت آمریکا و فراهم‌کردن زمینه تبلیغات جمهوری‌خواهان از جمله نگرانی‌هایی است که ممکن است مانع از اقدام قاطع آنان شود.

قطع بودجه نظامی و اقدام انتحاری ترامپ!

در مقابل آنچه در یادداشت مشترک رابرت مالی و استفان وارهایم در نیویورک‌تایمز عنوان شده، توماس فریدمن در یادداشت خود برای همین نشریه معتقد است قطع بودجه جنگ ممکن است مسئولیت سیاسی پیامدهای آن را متوجه دموکرات‌ها کند و به ترامپ امکان دهد توقف عملیات نظامی را به مخالفان خود نسبت دهد. فریدمن در عین حال بر ضرورت بررسی ابعاد جنگ، میزان خسارت‌های واردشده به حضور نظامی آمریکا در منطقه و نحوه برنامه‌ریزی دولت ترامپ تأکید کرده است. این اختلاف دیدگاه‌ها نشان می‌دهد پرونده ایران به یکی از موضوعات مهم رقابت سیاسی در واشنگتن تبدیل شده است. از یک سو، جریان‌هایی در آمریکا خواهان محدودکردن عملیات نظامی و جلوگیری از تکرار جنگ هستند و از سوی دیگر، گروه‌هایی معتقدند توقف فشارها می‌تواند موقعیت واشینگتن را در برابر تهران تضعیف کند. با این همه، نباید نقش تحولات کنگره را به عنوان یک عامل قطعی بازدارنده بزرگ‌نمایی کرد. حتی در صورت شکل‌گیری محدودیت‌های بودجه‌ای، چگونگی اجرای آنها، استثناهای احتمالی و اختیارات دولت در استفاده از منابع موجود همچنان محل بحث خواهد بود. ازاین‌رو تحولات سیاسی آمریکا می‌تواند هزینه تصمیم برای جنگ را افزایش دهد، اما به‌تنهایی تضمین‌کننده جلوگیری از آن نیست.

خلیج فارس در وضعیت شکننده و نگرانی همسایگان از تکرار جنگ

در کنار تحولات واشینگتن و تل‌آویو، وضعیت امنیتی خلیج فارس نیز به یکی از مؤلفه‌های مهم در ارزیابی احتمال تشدید تنش‌ها تبدیل شده است. توماس فریدمن در بخش دیگری از نوشته خود برای نیویورک‌تایمز از گفت‌وگوهایش با مقام‌ها و تحلیلگران منطقه‌ای در ابوظبی، تصویری از نگرانی فزاینده کشورهای عربی نسبت به آینده بحران ارائه می‌دهد. فریدمن فضای حاکم بر نشست منطقه‌ای سر بنی‌یاس را نه صرفا آمیخته با شگفتی، بلکه همراه با نوعی هراس توصیف می‌کند. به نوشته او، بسیاری از مقام‌ها و تحلیلگران منطقه‌ای نگران هستند آمریکا و اسرائیل جنگی را آغاز کرده باشند که اکنون برای پایان‌دادن به آن راهبرد روشنی در اختیار ندارند. این نگرانی به‌ویژه در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس اهمیت دارد. این کشورها از یک سو به همکاری امنیتی با آمریکا وابسته‌اند و از سوی دیگر، هرگونه تشدید رویارویی نظامی در مجاورت مرزهایشان می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و امنیتی سنگینی به آنها تحمیل کند. در روایت فریدمن، حملات گزارش‌شده به نفتکش‌های متعلق به امارات و برخی اهداف مرتبط با حضور نظامی آمریکا در منطقه، از جمله عواملی هستند که بر نگرانی دولت‌های عربی افزوده‌اند. او مدعی است حملات به نفتکش‌ها در برخی موارد در آب‌های خلیج فارس و محدوده آب‌های امارات رخ داده و با استفاده از موشک‌های کروز و پهپاد انجام شده است. همچنین در این گزارش به حملات پهپادی به سامانه‌های راداری و اهداف مرتبط با حضور نظامی آمریکا در بحرین اشاره شده است. این روایت‌ها، صرف‌نظر از جزئیات و میزان صحت هریک از آنها، نشان می‌دهند محیط امنیتی منطقه تا چه اندازه در برابر هرگونه اقدام نظامی تازه آسیب‌پذیر شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این وضعیت، اهمیت تنگه هرمز و تأثیر تحولات امنیتی آن بر اقتصاد جهانی است. فریدمن معتقد است ایران با استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی و موقعیت راهبردی خود در خلیج فارس، ابزار مهمی برای افزایش هزینه‌های هرگونه تقابل در اختیار دارد. از منظر او، راهبرد تهران این است که ترامپ را در برابر دو انتخاب دشوار قرار دهد. انتخاب نخست، پذیرش توافقی برای خروج از بحران است که در آن ایران بتواند در برابر بازگشایی تنگه هرمز و ارائه تعهداتی درباره موضوع هسته‌ای، امتیازهایی در حوزه امنیت و تحریم‌ها دریافت کند. انتخاب دوم، بازگشت به جنگی است که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگینی برای آمریکا داشته باشد. این تحلیل، هرچند روایت و ارزیابی نویسنده نیویورک‌تایمز است، یک واقعیت مهم در معادلات منطقه‌ای را برجسته می‌کند و آن اینکه جنگ در خلیج فارس به‌سرعت از یک منازعه دوجانبه فراتر می‌رود و به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل می‌شود. افزایش قیمت انرژی، اختلال در مسیرهای انتقال نفت و گاز، آسیب به زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های امنیتی کشورهای منطقه، از جمله پیامدهایی است که در صورت گسترش درگیری‌ها قابل تصور خواهد بود. فریدمن همچنین به تغییر آرایش سیاسی کشورهای منطقه اشاره می‌کند. از نگاه او، شورای همکاری خلیج فارس با اختلافات و شکاف‌های داخلی مواجه شده و برخی کشورها در حال پیگیری توافق‌های مستقل با تهران هستند. در مقابل، ائتلاف‌های جدیدی نیز در حال شکل‌گیری است که نشان‌دهنده پیچیده‌ترشدن رقابت‌های امنیتی در خاورمیانه است. این شرایط برای ایران نیز واجد اهمیت است. هرچند اختلافات میان کشورهای منطقه می‌تواند بر نحوه مواجهه آنها با بحران اثر بگذارد، اما گسترش ناامنی در خلیج فارس در نهایت منافع مشترک همه کشورهای ساحلی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در چنین فضایی، ضرورت گفت‌وگوهای منطقه‌ای و ایجاد سازوکارهای پایدار برای جلوگیری از سوءمحاسبه نظامی بیش از گذشته احساس می‌شود. هیچ‌یک از کشورهای منطقه از تبدیل‌شدن خلیج فارس به میدان یک جنگ طولانی سود نخواهند برد و هزینه‌های چنین وضعیتی نیز محدود به طرف‌های اصلی درگیری باقی نخواهد ماند.

جنگی که هنوز آغاز نشده، اما سایه آن بر محاسبات منطقه سنگینی می‌کند

مجموع گزارش‌های منتشرشده مبین آن است که محاسبه هزینه و فایده یک عملیات نظامی دیگر علیه ایران صرفا براساس تعداد هواپیماها، موشک‌ها یا حجم توان آتش طرفین امکان‌پذیر نیست. توان پاسخ‌دهی نامتقارن تهران و نیز آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و دشواری حفاظت از مسیرهای تجاری در منطقه می‌تواند معادلات جنگ را تغییر دهد. از این منظر، تصور اینکه یک کارزار چهار تا هفت‌روزه لزوما به همان مدت محدود خواهد ماند، فرضی است که باید با احتیاط فراوان به آن نگریست. حتی اگر طراحان چنین عملیاتی هدف خود را تضعیف محدود توانمندی‌های ایران تعریف کرده باشند، واکنش‌های متقابل می‌تواند دامنه درگیری را به حوزه‌هایی فراتر از اهداف اولیه گسترش دهد.

در این میان، باید میان گزارش‌های رسانه‌ای درباره طرح‌های احتمالی و واقعیت تصمیم‌گیری در سطوح عالی سیاسی و نظامی تفاوت قائل شد. گزارش آتلانتیک درباره محدودشدن نقش ونس، روایت المانیتور از پیشنهاد حمله چهار تا هفت‌روزه و گزارش‌های مربوط به اختلافات امنیتی اسرائیل، هریک بخشی از فضای تصمیم‌سازی را منعکس می‌کنند، اما هیچ‌کدام به‌تنهایی اثبات‌کننده صدور فرمان حمله نیستند. در نهایت، مسئله اصلی برای منطقه این است که آیا طرف‌های درگیر قادر خواهند بود پیش از عبور از نقطه بازگشت، مسیر تنش‌زدایی را دوباره فعال کنند یا خیر. ایران و آمریکا همچنان درگیر اختلافاتی عمیق هستند و اسرائیل نیز تلاش می‌کند محاسبات واشینگتن را به سمت اقدام نظامی سوق دهد. در چنین شرایطی، هر حادثه محدود در خلیج فارس یا هر سوءبرداشت از تحرکات نظامی می‌تواند به عاملی برای تشدید بحران تبدیل شود.

آنچه در مقطع کنونی اهمیت دارد، پرهیز از ساده‌انگاری درباره احتمال جنگ و در عین حال پرهیز از قطعی‌دانستن وقوع آن است. نه می‌توان از تعویق حمله به معنای کنار گذاشته‌شدن گزینه نظامی سخن گفت و نه می‌توان هر تحرک و تهدیدی را نشانه قطعی آغاز جنگ دانست. واقعیت آن است که منطقه در وضعیتی شکننده قرار گرفته و هم‌زمان چند مسیر متفاوت پیش‌روی تصمیم‌گیران قرار دارد. ادامه بن‌بست مذاکرات، افزایش فشارهای سیاسی اسرائیل، محدودیت‌های احتمالی کنگره آمریکا و نگرانی کشورهای عربی از گسترش درگیری، همگی در شکل‌دهی به تصمیم نهایی نقش خواهند داشت. ازاین‌رو، پرسش همچنان پابرجاست که آیا زدوخوردهای محدود و تنش‌های گزارش‌شده در پهنه جنوبی خلیج فارس صرفا بخشی از مرحله فرسایشی تقابل هستند یا می‌توانند مقدمه‌ای برای دور تازه‌ای از جنگ باشند. پاسخ این پرسش هنوز روشن نیست، اما یک نکته را نمی‌توان نادیده گرفت و آن اینکه در شرایط کنونی، فاصله میان یک بحران قابل مدیریت و یک رویارویی نظامی گسترده ممکن است بسیار کمتر از آن چیزی باشد که در محاسبات سیاسی تصور می‌شود.